

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

شنبه ۰۷ مارچ ۲۰۲۰

مرجان کمال

برگشت به یادداشت های پراکنده

نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری

قسمت پانزدهم

من آن شمعم که شبها در شبستان تو می سوزم
به ظاهر شاد و در باطن ز هجران تو می سوزم



به ادامه گذشته:

موجودیت این تضادها ناشی می شود از انتخاب شخصیت های سیاسی که در داخل یک سیستم سیاسی از نظر قانونی قابل اعتماد نمی باشند و غیر قانونی بودن آن ها سبب عدم مشروعیت تمام سیستم می گردد.

فلهذا این جا به جا نمودن گروه های سیاسی غیر قانونی باعث بی ارزش ساختن تمام سیستم سیاسی بعد از بحران انتخاباتی سال 2009 میلادی گردیده و مانند یک انفجار در داخل سیستم سیاسی این اختلافات و تضاد های ساختاری پدیدار شد.

وخامت این انفجار و بحران در داخل سیستم سیاسی به دلیل تغییرات و تبدیلات در هئیت سیاسی که در زمان انتخابات به وجود آمد، می باشد.

مگر این حالت بحران در سال 2009 میلادی یک راه حل موقتی را نظر به رفتار و گفتار کرزی، یک حالت بی اعتمادی را در مقابل شرکای بین المللی دولت افغانستان خلق نموده و ناکامی انتخابات را به عدم شفافیت روش شرکای بین المللی افغانستان نسبت داد.

برعلاوه این وقت مطابقت می کند به یک دوره بلند رفتن فعالیت بسیار شدید شورشیان علیه دولت از یک طرف و تصمیم گرفتن سر قومندان امریکایی برای بلند بردن تعداد نظامیان ناتو از طرف دیگر.

در سال 2014 میلادی مداخله شرکای افغانستان و خصوصاً واشنگتن اجازه داد تا با یک موافقه بین دو کاندید درگیر، بحران را خاتمه بدهند و در عین زمان حتی مشروعیت موافقه را لکه دار ساختند.

حکومت وحدت ملی مورد انتقادات بی شمار قرار گرفت. قسمت بزرگ انتقادات را خلق نمودن ماهیت غیر قانونی چوکی ریاست اجرائیوی تشکیل می داد، زیرا خلق نمودن این چوکی مساوی به تقسیم قدرت اجرائیوی به دو قسمت می باشد. فلهذا شدت و تندى مباحثات و مذاکرات (Débats) که مخصوصاً اعضای پارلمان را یکی بر علیه دیگر قرار داد، و این تضاد ها در مورد سوالی بود که در هنگام لویه جرگه قانون اساسی، نیز هیئت تحریر که مسئولیت انشاء قانون اساسی را به عهده داشتند، به آن مواجه شدند و آن عبارت از تضاد ها و مخالفت های شدید که در بین طرفداران سیستم سیاسی پارلمانی که نظر موافق به موجودیت چوکی صدارت و تعداد دیگر که طرفدار سیستم سیاسی ریاستی بودند به وقوع پیوست. که در نتیجه طرفداران سیستم سیاسی ریاستی با این استدال که تنها یک اقتدار اجرائیوی قوی می تواند از پدیده تفرقه و پارچه شدن سیاسی و تجزیه قلمرو جلوگیری کند، موفق شدند.

به عباره دیگر اولی طرفدار یک سیستم سیاسی فدرالی و دومی یک سیستم سیاسی مرکزی قوی نزدیک به سیستم سیاسی قبل از جنگ را خواستار بودند.

در سال 2004 میلادی این مباحثات و مذاکرات باعث تفرقه تمام گروه های سیاسی که در بازی های قومی و نژادی دخیل بودند، گردید. در حقیقت طرفداران سیستم سیاسی پارلمانی و فدرالی اکثر شان اعضای اقلیت های قومی می باشند که همه آن ها با اتحاد شمال پیوستگی دارند. لکن به صورت عمومی در انتخابات سال 2014 میلادی بازیگران صحنه سیاسی افغان موفق می شوند تا از درگیری های قومی اجتناب نمایند.

به همه حال با خلق نمودن چوکی ریاست اجرایی کثیدگی ها و درگیری های بسیار شدید برای تشکیل وزرای کابینه بین گروه های سیاسی موجود بود، که دولت را به طرف یک فلج مطلق رهنمون می ساخت.

بعد از معرفی اعضای کابینه به پارلمان جهت گرفتن رای اعتماد صرفاً هشت وزیر که عبارت بودند از : اکلیل حکیمی وزیر مالیه، عبدالحق علومی وزیر داخله، صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجه، فیروزالدین فیروز وزیر صحیه، سید حسین عالمی بلخی وزیر مهاجرین و عودت کنندگان، داود شاه صبا وزیر معادن و صنایع، فیض محمد عثمانی وزیر حج و اوقاف و نصیر درانی وزیر انکشاف دهات، رای اعتماد به دست آوردند.

مقرری های دیگر رئیس جمهور عبارت بودند از: ضیا مسعود به حیث نماینده خاص برای تنظیم و بررسی نمودن از حکومت داری خوب، تا فساد از بین برداشته شود. مقرری های دیگر، سالارزی به حیث سخنگو، قبلاً مامور کمک و همکاری در ملل متحد برای افغانستان (Mission d'Assistance des Nation-Unis pour l'Afghanistan) (MANUA)، عبدالسلام رحیمی که قبلاً یکی از کارکنان کمک های بشری و رئیس قبلی تلویزیون سبا بود، به حیث رئیس دفتر رئیس جمهور، حضرت عمر زاخیلوال وزیر سابقه مالیه، مشاور اقتصادی رئیس جمهور، حنیف اتمر مشاور امنیت ملی، عبدالعلی محمدی مشاور قضایی نامیده شدند.

معرفی یک تعداد دیگر کاندید وزرا به پارلمان جهت کسب رای اعتماد، باعث جنجال ها و زد و بند های زیاد گردید.

به تاریخ هشتم فیروزی 2015 میلادی صد ها تن از هزاره ها به تظاهرات پرداختند، این تظاهرات از کارته دشت برچی شروع و در دهمزنگ در غرب کابل متوقف شدند و مظاهره کنندگان با دادن شعار ها علیه پارلمان که در آن اعضای پارلمان را متهم به تبعیض می نمودند، و این نسبت دادن به دلیل عدم رای اعتماد از طرف وکلای شورا به کاندید وزیر هزاره بود.

به این ترتیب تشکیل کابینه داخل بازی های قومی و نژادی گردید:

در حقیقت عدم اعتماد به کاندیدان هزاره را به حیث وارد نمودن یک لطمه به حقوق اقلیت ها می دانستند.

فلهذا تمام این کشمکش ها و زد و بند ها که مشکلات سیاسی را برای تشکیل کابینه روی کار آورد، می تواند منشاء به راه اندازی تضاد ها و خصومت های قومی و نژادی گردد. در اولین جلسه وزراء عبدالله عبدالله در مورد هدف دولت نو اعلان نمود: که هدف حکومت وحدت ملی آوردن ریفرم در سیستم انتخابات، احترام نمودن به یک دولت قانونی، مجادله علیه فساد، حکومت داری خوب، برقرار نمودن امنیت و همچنین تشکیل لویه جرگه جهت تغییر و اصلاح قانون اساسی می باشد.

ادامه دارد